

## قانونیت و مشروعیت

قانونیت *legalite* به مفهوم همنوایی با قانون است. قانون خود بمثابه قاعده ای که بر مبنای تقابل میان حق و وجیبه استوار بوده، روابط اجتماعی را اساس گذاشته و تنظیم میکند، توسط خرد جامعه به میان می آید.

مشروعیت، *legitimite* بر قانون «طبیعی» ای اطلاق میشود که از بطن هستی بر خاسته و خود را به جامعه تحمیل کرده است. این قانون را که کسی ترتیب و تدوین نکرده، حق زندگی و حق هستی افراد و گروپ های اجتماعی را بیان میکند.

جدال بر سر قانونیت «مشروعیت» و مشروعیت «قانونیت» از یونان باستان به اینطرف وجود داشته است.

یکی، حق مشروع (حق زنده گی) را «قانونی تر» از هر گونه قانون نافذ در جامعه میداند.

دیگری قانون را، که توسط خرد جامعه تدوین شده است «مشروع» تر از مشروعیت حق زنده گی افراد، گروپهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی میداند.

میتولوژی یونان باستان مملو از حکایت های کوچکیست که مقوله های حقوقی و فلسفی را به بحث میگیرند.

درینجا از ان میان خلاصه قصه شاهدخت *Antigone* آنتیگون را میگیرم که دو مقوله بالا را به بحث گرفته است:

آنتیگون دو برادر داشت به نامهای Oedipe و Polynice پولینیس. با مرگ پدر هردو و به موافقه رسیدند تا به نوبت پادشاهی کنند. وقتی نوبت اودیپ تمام شد به ترک تخت شاهی تن در نداده برادر را از شهر راند. پولینیس هم لشکری گرد آورده به طرف اودیپ به مارش پرداخت. درین وقت فیصله به میان آمد تا بخاطر جلوگیری از خونریزی میان دو لشکری که در حقیقت متحد بودند هر دو برادر به (دویل) بپردازند. هر کدام که دیگری را کشت بر تخت بنشیند. در (دویل) هر دو کشته شدند و مقام پادشاهی به عموی شان (Creon کریون) رسید. کریون چون قبلاً قاضی و طرفدار جدی قانون بود، پولینیس را که حرکت ضد قانون را انجام داده بود خاین خوانده اجازه نداد تا در شهر دفن شود. آنتیگون برادرش را خلاف امر و اراده عمویش در شهر دفن کرد. که خود هم به جرم اینکار خلاف قانون، به اعدام محکوم شد.

درینجا سه نوع تعبیر وجود دارد:

\_ کاریکه آنتیگون انجام داد غیر قانونی اما مشروع بود:

زیرا هر انسان حق حیات و هستی دارد. و بعد از مرگ، گرفتن مراسم تشییع برایش، در حقیقت احترام گذاری به همین حق است. تدفین با حرمت بیانگر احترام به زنده گی با وقار است. جلوگیری از تدفین پامال ساختن حق زنده گی شایسته است که هیچ قانون حق آنرا ندارد.

\_ آنچه کریون امر کرد قانونی اما نامشروع بود:

قانون قانون است. چنین نیست که وقتی راضی باشیم قانون را بپذیریم وقتی نا راضی باشیم آنرا بشکنیم.

قانون باید بر همه و هر وقت یکسان تطبیق شود و الی جامعه آرام و زنده گی در صلح وجود نخواهد داشت.

پولینیس با عمل خود به جامعه خیانت کرده وحدت اجتماعی را شکستاند. اما جلوگیری از تدفین بشر در حوزه قانون نیست.

\_تعبیر سوم :

اگر انسان در قبال مرگ خود برخوردِ احترام آمیزِ دیگران را طلب میکند، در ایام زنده گی هم به صلح و آرامش نیاز دارد. حالا اگر بخاطر عدم احترام گذاری به جسد یک متوفی، قانون شکنی شود (آنطور که آنتیگون کرد) آرامش و زنده گی صلح آمیز جامعه بر هم میخورد.

بر عکس، همچنان اگر انسانها به زنده گی شایسته و آرام نیاز دارند مراسم تدفین در خور احترام را نیز میخواهند.

اکنون اگر مانند کریون مشروعیت حیات و هستی (حق مشروع تدفین) افراد را قربانی قانون کنیم باز هم جامعه ایرا که میخواهیم توسط قانون حمایت کنیم صدمه زده ایم. پس راه دیگر وجود ندارد جز اینکه قانونیت مشروعیت پیدا کند. به این معنا که قانون باید در هستی جامعه ریشه کند و هیچ بخشی از هستی مادی و معنوی جامعه را نفی نکند. و همچنان مشروعیت به قانونی شدن نیاز دارد به این مفهوم که تمام بشریت باید حقوق مشروع بشری را به رسمیت بشناسند.

مردان بزرگ مشروعیت را همیشه بر قانونیت ترجیح داده اند. فرانسوا میتران (۱۹۱۶/۱۰/۲۶ - ۱۹۹۶/۱۰/۸) وقتی بار اول در سال ۱۹۸۱ رییس جمهور فرانسه انتخاب شد، با ادای این جمله که «هیچ قانون نمیتواند حق هستیء انسان را از وی بگیرد» حکم اعدام را در کشورش ملغی قرار داد. اما ده ها پیام از طرف نهاد ها بین المللی حقوق بشر در سالهای اخیر به جورج بوش، بخاطر جلوگیری از اعدام متهمینی که در پرونده های شان حتا هنوز شک و تردید وجود داشت، راهی به دهی نبرد اکنون سوال میکنیم که «قانونیت» آمریکایی در کشور ما، آیا مشروعیت نهضت آینده افغانستان را به رسمیت خواهد شناخت؟

[www.ayenda.org](http://www.ayenda.org)